

بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی

علی فروغی *

رضا عسگری مقدم **

چکیده

در گوشه و کنار جهان در لابه‌لای فرهنگ عامه، عقاید و باورهایی به چشم می‌خورند که از نظر تفکر مدرن در رده عقاید خرافی طبقه‌بندی می‌شوند. علی‌رغم بار معنایی منفی که بر این دسته از عقاید متصور است، بر پایه منطق امروزی، خرافات آن گونه از عقاید و باورهایی هستند که به لحاظ علمی و تجربی غیر قابل دفاع بوده و می‌تواند زمینه‌های تحرک یا توقف جامعه را حول موضوعی خاص فراهم آورد. به همین ترتیب به لحاظ کارکردهای آشکار و پنهان مثبت و منفی که این دسته از عقاید در جوامع امروزی دارند، بحث و بررسی پیرامون آنها اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. بر این اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر عقاید و باورهای رایج در فرهنگ عامه شهروندان تهرانی در پی کشف گستره و نفوذ برخی زمینه‌های مرتبط با آنها برآمده و با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه و توصیف و تحلیل یافته‌ها به این نتیجه رسیده است که افرادی که نحوه ارتباط و نزدیکی بیشتری با نوگرایی، خردگرایی، علم‌ورزی و تجربه‌گرایی دارند (نظیر تحصیلات بالاتر، مدت اقامت بیشتر و تولد در شهرهای بزرگ‌تر، مشاغل امروزی‌تر) و به طور کلی درگیری بیشتری با شرایط جامعه مدرن دارند، تمایل کمتری به عقاید خرافی دارند. همچنین مردان، کمتر از زنان و منطقه یک کمتر از سایر مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به عقاید خرافی گرایش دارند.

واژگان کلیدی

خرافات، خرافه‌گرایی، فرهنگ عمومی و شهروندان تهرانی

Email: ali_foroughi@yahoo.com

Email: Rezaskari@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۸۸/۰۵/۱۷

* عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی

** عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی

تاریخ ارسال: ۸۸/۰۳/۳۱

فصلنامه راهبرد / سال هجدهم / شماره ۵۳ / زمستان ۱۳۸۸ / صص ۱۹۱-۱۶۱

۱- بینش و روش پژوهش

۱-۱- مقدمه

یکی از موضوعاتی که در حیطه اعتقادات و باورها معرفی می‌شود و اذهان زیادی را به خود مشغول داشته، دسته‌ای خاص از اعتقادات است که تحت عنوان خرافات^۱ از آنها یاد می‌شود. این دسته از عقاید بنا بر ماهیت شهودی که دارند، همواره مورد مناقشه بوده و جهت‌گیری‌های بعضاً موافق و مخالفی را به همراه داشته است.

نکته حائز اهمیت در مورد خرافات این است که به واسطه ارتباط این‌گونه عقاید با صور زیرین (زیرساخت) احساسی اقوام و احساسی امنیت وجودی، چنان ارزش و اعتباری کسب نموده‌اند که تقریباً هیچ‌گونه باور متضادی را بر نمی‌تابند. همان‌طور که دیوید هیوم بیان نموده، تمایل به خرافات را هرگز نمی‌توان از بین برد، چون نکته متناقض اینجاست که خرافات بخش جدایی‌ناپذیر آن دسته از سازوکارهای انسان است که بدون آنها آدمی قادر به ادامه حیات نیست.

تعدادی از این باورها جنبه محلی و قومی دارند و در حیطه یک جغرافیای خاص شناخته می‌شود و برخی دیگر از این نوع اعتقادات جنبه بین‌المللی دارند، برای مثال نحس بودن عدد ۱۳ که تقریباً در اکثر فرهنگ‌ها و ملل شایع است و به نحو غیر قابل باوری در بین مردم اشاعه پیدا کرده است. آنچه مسلم است اینکه بخش عظیمی از فرهنگ عامه به این مفاهیم اختصاص داشته و با شیوه‌های بنیادین اندیشیدن و احساس کردن و به‌طور کلی با نحوه پاسخگویی انسان‌ها به محیط پیوند تنگاتنگی پیدا کرده است.

بنابراین با توجه به اهمیت و کارکردهای آشکار و پنهانی که این قسم از فرهنگ در رشد، تحرک یا توقف جوامع بشری دارد، بر پژوهشگران و محققان است که انواع و اقسام عقاید خرافاتی رایج در بین عامه مردم را شناسایی کنند و جنبه‌های مثبت و منفی این پدیده را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند. به ویژه اینکه امروزه خرافات نه تنها به حوزه‌های سنتی زندگی افراد، بلکه به حوزه نوین زندگی هم رسوخ کرده و در زیر نقاب به ظاهر فردگرایی جامعه نوین اشتیاق گسترده نسبت به پدیده‌های اسرارآمیز فزونی یافته است.

وحشت غیر منطقی یا ترس از یک چیز ناشناخته و مرموز، خیالی، تردید یا عادت‌ی که پایه آن ترس یا جهل باشد، خرافات نامیده می‌شود (جاهودا، ۱۳۶۳، ص ۵).

رابرت اینگرسول^۲ از خرافات یک تعریف عملیاتی ارائه می‌دهد. به نظر وی خرافات عبارت است از:

- اعتقاد به پدیده‌هایی که شواهد تجربی برای آن موجود نباشد،
 - تخمین یک راز به وسیله راز دیگر،
 - اعتقاد به اینکه جهان به وسیله شانس و هوس هدایت می‌شود،
 - ارائه افکار، تمایلات و مقاصد با اشاره به طبیعت اولیه آنها،
 - اعتقاد به اینکه ذهن قادر به کنترل پدیده‌هاست،
 - اعتقاد به اینکه نیروها خارج از ذات خود هستند و یا ذات از نیروهای خود بیرون هستند،
 - اعتقاد به ماوراء الطبیعه،
 - و اعتقاد به معجزه، سحر، طلسم و غیب‌گویی.
- به زعم وی، اساس خرافه بر نادانی استوار است و زیرساخت آن عقیده است و منزلگاه آن امیدهای واهی است. تعریفی که

۱-۲- تعریف خرافه

خرافه واژه‌ای عربی است و ریشه آن خرف به معنی چیدن میوه است. خرفه با ضم حرف خ، به معنی حکایت، قصه و یا عقیده‌ای فاسد و رأی باطل است که جمع آن خرافات است. در واژه‌نامه‌ها در تعریف کلمه "خرافات" آمده است: اعتقادات بی اساس که با عقل و منطق و واقعیت سازگاری نداشته باشد. خرافه‌پرستی نیز عبارت است از پیروی از عقاید باطل و بی اساس که با درجه فرهنگ و دانش جامعه‌ای که فرد خرافی متعلق به آن است، هیچ تناسبی نداشته باشد. همچنین از خرافات در کتب مختلف به حدیث باطل، سخن بیهوده و یاوه (عمید، ۱۳۶۵، ص ۱۰۰۱)، سخن موهوم و افسانه‌ای، درک نادرست علت‌ها و معلول‌ها، ترس از ناشناخته‌ها و اعتقاد افراطی به تأثیر عوامل ماوراء الطبیعه در زندگی بشر، هر نوع عقیده نامعقول و بی اساس (فرهنگ اکسفورد) نیز یاد می‌شود. بر همین اساس در کتب پژوهشی مختلف تعاریف مختلفی از خرافات ارائه شده است که در ادامه به پاره‌ای از این تعاریف اشاره می‌شود:

جاهودا خرافات را این‌گونه تعریف می‌کند: هر نوع عقیده یا عمل نامعقول و

اینگرسول از خرافه ارائه می‌دهد، مبنای بسیاری از تعاریف ارائه شده در حوزه اعتقادات خرافی می‌باشد و آنچه بر اعتبار تعریف اینگرسول افزوده و مبنای تعاریف بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفته وسعت تعریف و عملیاتی نمودن مفهوم خرافه است. کوهلر^۳ معتقد است که خرافه یک اعتقاد غیر معقول یا غیر علمی در مورد ایفای نقش پدیده‌ها در جهان است که این اعتقاد یا بر اساس تقلید شکل گرفته و یا با تمایلات (معمولاً) مریض‌گونه همراه است، بنابراین خرافه همواره ملازم طلسم، معجزه و جادو است.

پاره‌تو اعتقاد دارد خرافات به قوای مرموز سحرآمیزی اشاره دارد که از دنیای تخیلات ریشه گرفته و با فرهنگ آمیخته شده و توسط اعضای اجتماع به عنوان یک امر طبیعی پذیرفته شده است.

سایر نظریه‌پردازان و متفکران نیز از عقاید خرافی، تعاریف نظری متعددی ارائه نموده‌اند که مشترکاً بر اصطلاحاتی چون جهل، غیر منطقی و خیالی بودن امور خرافی اشاره دارند، و آن را مترادف با عقایدی می‌دانند که هیچ‌گونه مبنای تجربی و علمی برای آن نمی‌توان فرض نمود. بنابراین در یک

جمع‌بندی کلی خرافه را می‌توان این‌گونه تعریف نمود:

خرافه در باب موضوعی خاص عبارت است از سلسله باورها و عقاید شکل‌گرفته حول آن موضوع در ذهن اقشاری که [عمدتاً] دانش کافی نسبت به موضوع ندارند. بر این اساس خرافه بیشتر ناشی از جهل و ناآگاهی انسان درباره پیوندها و روابط علی پدیده‌هاست و قابلیت اثبات عینی و علمی را ندارند. از این روست که در بین اقشار کمتر تحصیلکرده، نفوذ و گستره بیشتری دارد.

۱-۳- زمینه‌های تاریخی خرافات

استعداد بشر در برقراری روابط بین پدیده‌ها و اصرار او در نسبت دادن رخدادها به علتی دیگر، همراه با ضعف دانش او نسبت به وقایع و اتفاقات، در طول تاریخ، گرایش‌های مختلفی را پدید آورده است که زیرساخت فکری ادوار تاریخی بشر محسوب می‌شود.

در گام آغازین و در دوره طفولیت اندیشه، هر پدیده‌ای ساخته و پرداخته دست خدا یا خدایانی بود. صرف نظر از درستی یا نادرستی، این طرز تفکر از پختگی چندانی برخوردار نبود، چرا که بر فرض صحیح بودن کلیت قضیه و دخالت داشتن خداوند در خلق پدیده‌ها (به عنوان علت غایی)، سازوکارهای شکل‌گیری و توجه به علل اعدادی مغفول

واقع شده و تنها به علت غایی اکتفا می‌شد. خدایگان باد و باران و صاعقه و آفتاب و پدیده‌ها را در دستان خویش داشتند و خشمشان همواره بالای جان و مال و ملک و ملک انسان‌های اولیه بود. از این رو جادو و طلسم به عنوان ابزارهایی برای کمک به انسان خسته اولیه در خدمت او قرار گرفتند و همان‌گونه که مالینفسکی به درستی اشاره دارد «انسان زمانی به جادو متوسل می‌شود که نتواند شرایط زندگی و اتفاقات را از طریق دانش مهار کند».

۱-۴- پیشینه پژوهش

در بررسی سابقه موضوع، مشاهده شد که به جز چند پژوهش اسنادی و میدانی که شمار آن به تعداد انگشتان دو دست نمی‌رسد، پژوهش گسترده‌ای درباره موضوع خرافات در ایران به انجام نرسیده است. به عنوان نمونه‌ای از کارهای انجام شده می‌توان به پژوهش مسعود سپهر با عنوان «بررسی مصادیق بارز عوامل و علل بروز و راه‌های مبارزه با خرافات و موهومات، جمود و تحجر فکری»، در سال ۱۳۸۶ اشاره کرد که در سطح توصیفی به بررسی میزان شیوع خرافات پرداخته است. تحقیق به این نتیجه رسیده است که در زمینه مسائل دینی، خرافات زیادی در جامعه وجود دارد. در پایان نیز پاسخ علمای متعددی را به سؤالات محقق پیرامون برخی خرافه‌های مذهبی ارائه کرده است. «راه‌های مقابله با خرافات و موهومات» عنوان تحقیق دیگری است که در سال ۱۳۷۵ توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد

بنابراین شالوده‌های اصلی و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری خرافات به جهل و ناآگاهی انسان‌های اولیه و عدم کنترل محیط توسط او برمی‌گردد. در این شرایط است که انسان‌ها برای راهنمایی خودش به عقل اتکا نمی‌کند و به واسطه میل و احتیاجی که به دانستن علت وجود اشیاء دارد، به قلب احساسات و قوه تصور خود پناه می‌برند.

از سوی دیگر در اعصار سیاه اجتماعی و سیاسی از جمله دوره غلبه اقوام بیگانه، وقتی جامعه دستخوش اضطراب درماندگی بوده و راهی برای گریز یا بهروزی نمی‌یافت نیز گرایش به اعتقادات خرافی به عنوان تنها راه کاهش آلام و مصیبت‌های جوامع تحت سلطه شناخته می‌شده است، چرا که ذاتاً

اسلامی استان لرستان انجام شده است. در این تحقیق، تعدادی از خرافه‌های موجود مورد بررسی قرار گرفته و نتایج تحقیق به صورت درصدی ارائه شده و در پایان به طور مختصر راهکارهایی ارائه گردیده است.

در مقایسه با تحقیقات داخلی گرایش به تحقیق پیرامون موضوع خرافه و خرافه‌گرایی در بین محققان خارجی بیشتر و بیشتر است. زب و باربارا در تحقیقی که در مورد تأثیر خرافات بر اختلالات روانی در کشور کلمبیا انجام داده بودند، به این نتیجه رسیدند که زنان بسیار بیشتر از مردان به خرافات گرایش دارند و پیشنهاد کرده‌اند که در مطالعات بعدی، جنسیت به عنوان یک متغیر اصلی در نظر گرفته شود (Zebb & Barbara, 2001). پلتزر در مورد افکار جادویی و عقاید ماوراء الطبیعی در آفریقای جنوبی تحقیقی انجام داده و به مقایسه دانش‌آموزان و دانشجویان پرداخته است. بر اساس نتایج این تحقیق، دانشجویان کمتر از دانش‌آموزان خرافاتی هستند. در نمونه آنها، زنان بیشتر از مردان خرافاتی بودند، ولی نتیجه به دست آمده به لحاظ آماری معنادار نبود. همچنین بین عقاید مذهبی سنتی و داشتن افکار جادویی رابطه ضعیف ولی معنی‌داری وجود داشت. در پژوهشی دیگر

پلتزر به همراه رنر به بررسی رابطه خرافات با ریسک‌پذیری در تصادفات در بین رانندگان تاکسی در آفریقای جنوبی پرداختند. در این تحقیق، اگر چه شیوع خرافات در بین رانندگان زیاد بود، ولی رابطه‌ای بین سن، سطح تحصیلات و تجربه رانندگان با خرافات یافت نشد (Peltzer & Renner, 2001). اروین، تالبورن و پلتزر نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که هر چه دینداری بیشتر باشد، گرایش به خرافات نیز بیشتر است (Thalbourne & Hensley 2001, Peltzer 2002, Irwin, 1985). در مطالعه‌ای دیگر گریفتس و بینگهام با گرفتن نمونه‌ای ۴۱۲ نفری در ناینگهام انگلستان، به بررسی عقاید خرافی میان بازیکنان بینگو^۴ پرداختند. آنها ضمن ارائه یک سری آمار توصیفی در مورد شیوع خرافات، به این نتیجه رسیدند زنان از مردان خرافاتی‌ترند. همچنین بازیکنان مسن‌تر گرایش بیشتری به خرافات دارند. بوخاری و دیگران خرافات مربوط به مسائل بهداشتی را در بین گروه‌های قومی مختلف در کراچی بررسی کردند. این محققان به این نتیجه رسیدند که ۷۳ درصد مردم پیرامون مسایل بهداشتی عقاید خرافی دارند، تحصیلات با خرافات رابطه معکوسی

4. Bingo Players

چنان شکل دهند که پذیرای تداوم چیزی باشد که آن را به طور کلی «خرافات» می‌نامند، چون خود و جهان خارج هرگز به صورت کامل از هم تفکیک نمی‌شوند، در نتیجه مفاهیم رمزی - جادویی در سراسر زندگی شخص بر تفکر او فرمان می‌دهد. اما در جوامع علمی که بر خردگرایی تکیه دارد، اندیشه اولیه کنار گذاشته و نفی می‌شود و به جدا شدن خود از محیط و تشکیل یک جهان بینی عینی کمک می‌کند (جاهودا، ۱۳۶۳، ص ۱۸۴).

رونالد اینگلهارت نیز در کتاب تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی اذعان می‌کند که در جوامع کشاورزی، گذران زندگی بخش وسیعی از مردم از طریق کشاورزی و عمدتاً وابسته به چیزهایی بود که منشاء آسمانی داشت مانند خورشید و باران. شخص برای آب و هوای خوب، رهایی از بیماری یا آسیب حشرات دعا می‌کرد. ولی در جامعه صنعتی، تولید به طور روزافزون به داخل محیطی که توسط انسان ساخته شده بود، کشانده شد. شخص در انتظار طلوع خورشید و تغییر فصل نبود - او نور و گرما داشت، برای داشتن محصول خوب، وابسته به ماشین‌هایی بود که با ابتکار انسان طراحی و نگهداری می‌شد - دعا نمی‌کرد، بلکه با

دارد، بین گروه‌های قومی مختلف تفاوت معنی‌داری به لحاظ گرایش به خرافات وجود ندارد و بالاخره اینکه خرافات روی نگرش مردم به مسائل بهداشتی تأثیر خیلی زیادی دارد (Bukhari and et al, 2002).

۱-۵-۱- چارچوب نظری و رویکردهای تحقیق

۱-۵-۱- رویکردهای جامعه‌شناسی

با مروری بر منابع موجود در مورد نظریه‌های جامعه‌شناسی، هیچ نظریه‌ای یافت نشد که به طور مستقیم و منسجم به موضوع خرافات پرداخته باشد، ولی در بسیاری از آثار و دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف، می‌توان اظهار نظرهایی را در این مورد شناسایی کرد. نکته قابل توجه در واکاوی این نظرات این است که صاحب‌نظران در تحلیل این مفهوم عمدتاً نوگرایی در نقطه مقابل خرافه‌گرایی تأکید کرده‌اند. در ادامه شرحی از این موارد آورده می‌شود.

نوگرایی تفاوت عمده انسانی سنتی و انسان مدرن است. عقیده قدیمی و در عین حال قابل قبول لوئی برول این است که: در جامعه‌های سنتی، جو فکری غالب به طور کلی عاطفی، شاعرانه و اساطیری است. زبان و فرهنگ قومی و مذهب، همه دست به دست می‌دهند تا ذهن در حال رشد فرد را

- کشف میکروبها و آنتی بیوتیکها، حتی بیماریها، دیگر مجازات الهی به حساب نمی آمدند و آنها در کنترل انسان بودند (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۲۰۴).
- اینکلس^۵ به همراه اسمیت، نقطه آغاز تجدد و نو شدن را در نوسازی انسان می دانند. آنها انسان نوین را فراهم کننده توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می دانند، برای او ویژگیها و معیارهایی را بر شمرند. آنها عناصر محیطی را در قالب متغیرهایی چون شهری شدن، تعلیم و تربیت وسایل ارتباط جمعی، صنعتی شدن، سیاسی شدن، کار در کارخانه و غیره می بینند و برای معیارهای درونی در خصوص انسان نو و مدرن به ویژگیها و معیارهای زیر توجه دارند:
۱. آمادگی انسان برای قبول و پذیرش تجربیات تازه و استعداد او برای ابداع و تغییر؛
 ۲. برخورداری از عقاید آزاد و توجه به تنوع عقاید و آگاهی از اختلاف آنها با یکدیگر؛
 ۳. معطوف بودن ذهن او به حال و آینده تا به گذشته و برخوردار
- بودن از وقت شناسی و نظم و انضباط؛
۴. تمایل داشتن به برنامه ریزی و سازماندهی امور؛
 ۵. کارآمد بودن یا داشتن ایدهها و توانمندی تسلط بر محیط؛
 ۶. قابل محاسبه دانستن جهان؛
 ۷. احترام به دیگران؛
 ۸. اعتقاد به علم و تکنولوژی؛
 ۹. احترام به برابری و رعایت حقوق دیگران (از کیا ۱۳۷۷، ص ۱۱۱).
- اینکلس و اسمیت نتیجه می گیرند که این مشخصات به صورت یک مجموعه به دنبال هم ظاهر می شوند. با بروز یکی از عوامل نوگرایی، زمینه بازی دیگر عوامل نیز فراهم می شود. به نظر آنان در مقابل جوامع نوگرا، انسانی که در جوامع سنتی زندگی می کند، محکوم به جمود فکری است، فاقد روحیه سودمندانه، اسیر سرنوشت، هراسان از نوآوری، بی اعتماد و نا آشنا به جهان خارج و شدیداً وابسته به اقتدار سنتی است. او منفعل، فاقد همت بلندپروازانه و ناتوان در جهت تغییر سرنوشت است و به آموزش ارجحی نمی نهد (Inkeles & Smith, 1974, p.84) اینکلس به وسایل ارتباط جمعی نیز اشاره می کند و به نظر او «آنهايي که در

یکی از عواملی است که پذیرش نوسازی و تغییر را در میان دهقانان مانع می‌شود. به نظر او افرادی که خیلی زود تغییر یا رویه جدیدی را می‌پذیرند، از سایرین جوان‌ترند، پایگاه اجتماعی بالاتری دارند و نیز ثروتمندترند.

هോഗارت^۶ در کتابی به عنوان «فواید سواد» به بررسی میزان رواج خرافات در بین طبقه کارگر پرداخته است. وی توضیح می‌دهد که چگونه خرافاتی نظیر خوش‌شانسی، رؤیاهای و سلامتی، در همه زوایای زندگی ما رسوخ کرده‌اند. وی معتقد است با اینکه افراد طبقه کارگر به خرافات می‌خندند و خود را از داشتن چنین عقایدی مبرا می‌دانند، با این حال به طور کلی به راهی می‌روند که در همان نقشه مشخص شده است. وی در مجموع به این نتیجه می‌رسد که افراد طبقه کارگر به این علت که سواد کمتری دارند، برای مدت بیشتری به خرافات می‌چسبند (جاهودا، ۱۳۶۳، ص ۲۴۱).

پرواضح است که نوگرایی بسیاری از عرصه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله عرصه دین، تا جایی که اصطلاحاتی

معرض وسایل ارتباط جمعی قرار گرفته‌اند، دیدگاه نوتری دارند،» (Inkeles&Smith, 1974, p. 84). نوگرایی به دلیل ویژگی‌هایی که گفته شد، می‌تواند باعث کاهش گرایش به خرافات شود. از این رو میزان نوگرایی به عنوان یکی از متغیرها باید مورد بررسی تجربی قرار گیرد.

راجرز - از جامعه‌شناسان مکتب توسعه و نوسازی - با تأکید بر متغیرهای فردی و مربوط به نظام‌های شخصیتی افراد در قالب بحث خرده فرهنگ روستایی به پویای نوگرایی در میان روستاییان پرداخته است. وی با انجام پاره‌ای از تحقیقات تجربی در مورد تقدیرگرایی در جامعه دهقانی بر این نظر است که دهقانان، سرنوشت را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت‌های خود می‌دانند. از آنجا که دهقانان معتقدند که ستیز با طبیعت به منظور بالا بردن سطح زندگی دشوار است، از این رو دهقان هر وقت که خود و همسایه‌اش در زندگی موفقیتی به دست آورد، این امر را ناشی از مداخله قوای مابعدالطبیعه می‌دانند. وی معتقد است دهقانان در مورد کنترل حوادث آتی دارای وجهه نظرهایی نظیر بی‌ارادگی، بدگمانی، تسلیم، بردباری و نرمش و گریز می‌باشند و در آخر نتیجه می‌گیرد که روحیه تقدیرگرایی

همچون نواندیشی دینی را پدید آورده است. فرد نواندیش در هر چیزی که مبنای عقلانی نداشته باشد، با دیده تردید می‌نگرد، اما فرد غیر نواندیش بدون کمترین مقاومت، بسیاری از امور را فارغ از هر گونه پایه عقلانی می‌پذیرد.

از آنجا که ممکن است افراد یا گروه‌های مرجع دارای اعتقادات یا رفتارهای خرافی باشند، لذا طبیعی است که افراد دنباله‌رو و غیرنواندیش چنین مسائلی را به حساب تعالیم دینی امور مقدس و ارزش‌های والا گذارند و آنها را در عمل به کار گیرند. بنابراین نوع دینداری (نواندیشانه _ غیر نواندیشانه) بر میزان خرافه‌گرایی مؤثر است. نوع دینداری به نوبه خود متأثر از متغیرهایی همچون سن، جنس، تحصیلات، نوگرایی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی است. همچنین افراد تقدیرگرا، غیر نواندیش هم کمتر تقدیرگرا هستند.

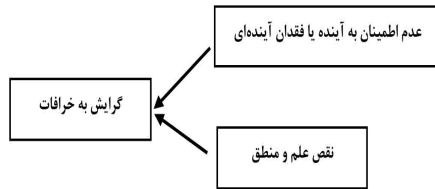
از طرف دیگر «بر اساس مطالعاتی که با استفاده از نظریه گناه، نظریه فرویدی، نظریه محرومیت، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه نقش در بسیاری از کشورها صورت گرفته است، می‌توان گفت زنان از مردان مذهبی‌ترند.» (دواس، ۱۳۷۶، صص ۲۵-۲۶).

در کنار تحلیل‌های مختلف جامعه‌شناسان از خرافه به واسطه ماهیت خرافه که نوعی عقیده یا طرز تفکر محسوب می‌شود، طرز تلقی جامعه‌شناسان معرفت و نوعاً تأثیر متغیرها و زمینه‌های اجتماعی بر طرز تفکر نیز می‌تواند مفید باشد.

صرف‌نظر از نام‌های گوناگونی همچون موقعیت طبقاتی یا منزلت اجتماعی که به پایگاه اقتصادی و اجتماعی داده می‌شود، این مفهوم یا سازه^۷ یکی از مهم‌ترین کاربردی‌ترین متغیرهای مستقل در تحلیل رفتارها، ایستارها و عقاید افراد و موقعیت آنها در سلسله مراتب اجتماعی است. همان‌گونه که نابرابری در فرصت‌ها در رفتار قشرهای مختلف جامعه تأثیر به‌سزایی می‌گذارد، این نابرابری‌ها به همان صورت در نگرش‌های اجتماعی افراد نیز مؤثر واقع می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۷۰، صص ۸۲).

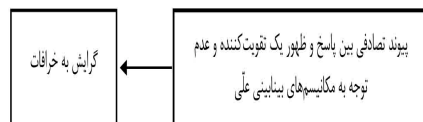
مانه‌ایم پا را از تحلیل طبقاتی فراتر گذارده و معتقد است عقاید و اندیشه‌های ما فقط به وسیله طبقه اجتماعی تعیین یا مشروط نمی‌شود. از نظر او حتی اگر طبقه، عامل مهمی باشد، عوامل دیگری مثل سن، دین و قومیت در کنار آن وجود دارند که

7. Construct



نمودار شماره (۱) - روابط علی گرایش به خرافات از منظر روانشناسان

اسکینر از دسته نظریه پردازانی است که اساس نظریه خود را بر اصل تقویت رفتار بنا نهاده است. وی اذعان می‌دارد که هرگاه بین پاسخ و ظهور یک تقویت کننده پیوندی تصادفی وجود داشته باشد، رفتار حاصل را رفتار خرافی می‌نامیم. به‌زعم اسکینر رفتار یا عقیده زمانی در فرد ایجاد می‌شود که فرد به‌طور مکرر یک حادثه یا تجربه را عیناً تجربه می‌کند که در این صورت این تجربه منتهی به اعتقاد به آن پدیده می‌گردد.



نمودار شماره (۲) - نمودار علی گرایش به خرافات از نظر اسکینر و مکتب رفتارگرایی

ایراد اساسی نظریات روانشناختی، این است که اهمیت فرآیندهای اجتماعی و به‌خصوص تأثیر دیگران را در فرآیند گرایش به خرافات مد نظر قرار نداده‌اند، لذا سایر نظریات حوزه روانشناسی اجتماعی تلاش

نشانگر تعلق گروهی ما هستند. همان طور که او می‌گوید، «حتی مقوله‌هایی که تجربیات ما در آنها... گردآوری و مرتب می‌شوند» نیز بر حسب مقام و منزلت اجتماعی این گروه‌ها تفاوت می‌پذیرند (گلوور و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۵۱).

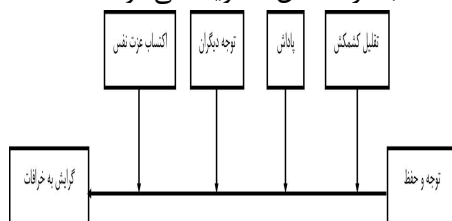
۱-۵-۲- رویکردهای روانشناختی^(۱)

مطالعات روانشناسی خرافات نشان می‌دهند که معمولاً در مواقع حساس و لحظاتی که عدم اعتماد و اطمینان به آینده وجود داشته، برای مثال در رویارویی با مسایلی همچون تولد، مرگ، مرض، قحطی، فقر، حوادث طبیعی و پیشامدهایی از این قبیل که همیشه برای بشر اضطراب‌آور بوده‌اند و احساس شکست و ترس و خشم به دنبال داشته‌اند، خرافات زاده می‌شود، در این مواقع انسان‌ها به دلیل اینکه نمی‌توانسته‌اند از راه علم و منطق دلایلی منطقی برای توجیه اتفاق ارائه نمایند، به اعتقادات خرافی گرایش پیدا می‌نمایند تا از اضطراب و تشویش درونی رها شوند و تسکین خاطر پیدا کنند. (داویدیان و ساعدی ۱۳۴۴، ص ۱۸) بر اساس این دیدگاه، بشر همواره برای فائق آمدن بر ترس درونی خویش و ارائه راهکار مناسب در مقابل ناآگاهی خود دست به اعمال خرافی می‌زند.

بندورا افراد در اثر «توجه»^{۱۰} به بعضی از ابعاد رفتاری، سعی در حفظ^{۱۱} و سپس در بازتولید^{۱۲} رفتار یادشده می‌نمایند و سرانجام اینکه به زعم وی انگیزه^{۱۳} نقش بسیار حیاتی در این زمینه دارد.

پیروان این نظریه اعتقاد دارند که رفتار از طریق مشاهده رفتار دیگران و به‌خصوص از طریق رسانه‌ها و محیط در فرد ایجاد شده و از طریق تقویت‌کننده‌هایی چون تقلیل کشمکش^{۱۴}، به‌دست آوردن پاداش مالی و پولی^{۱۵}، به‌دست آوردن تحسین دیگران^{۱۶} و یا

اكتساب عزت نفس^{۱۷} تقویت می‌شود.



نمودار شماره (۳) - نمودار علی گرایش به خرافات از نظر بندورا

نظریه دیگری که در تبیین گرایش به باورهای خرافی دارد، نظریه هم‌شکلی اجتماعی^{۱۸} است، بر اساس این نظریه خرافات

نموده‌اند تا در این معادله، عوامل دیگری را مورد بررسی قرار دهند که در زیر به تعدادی از این نظریات اشاره می‌شود. این نظریات هر کدام تلاش نموده‌اند تا از منظری خاص به پدیده خرافات بنگرند و آن را مورد تبیین علمی و قرار دهند.

۱-۵-۳- رویکردهای روانشناختی اجتماعی

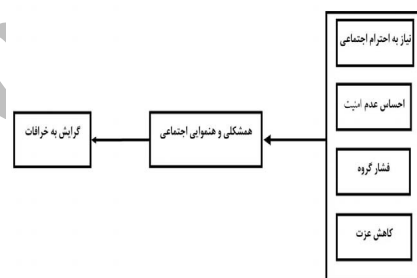
روانشناسان اجتماعی با انتقاد بر تقلیل‌گرایی موجود در نظریه‌های روانشناختی، عواملی چون فرآیندهای اجتماعی را در نظریه‌های خود لحاظ کرده و

رویکرد دیگری را پیش روی ما گشوده‌اند. از منظر نظریه یادگیری اجتماعی^۸ که یکی از نظریات مطرح در حوزه روانشناسی اجتماعی است و فرضیه‌های اصلی خود را از آثار آلبرت بندورا^۹ اخذ نموده، علت رفتارها و اندیشه‌های خرافی، فرهنگ حاکم بر جامعه است که با نفوذ و اثر بر فرد، نسل‌ها را متأثر می‌سازد. بدین ترتیب برخی خصائص فرهنگی و عادات اجتماعی به عنوان متغیرهای محیطی که رنگ و بوی خرافی دارند، افکار اندیشه‌ها و تصورات خرافی را در فرد ایجاد می‌کنند و فرد بعداً به عنوان یک عامل بسط خرافه در محیط بر افراد دیگر اثر می‌گذارد. به زعم

10. Attention
11. Retention
12. Reproduction
13. Motivation
14. Reduction of tension
15. Gaining financial reward
16. Gaining the praise of others
17. Building self-esteem
18. Social Conformity Theory

8. Social Learning Theory
9. Albert Bandura

ریشه در اعمال فشارهایی دارد که از جانب گروه یا یک اجتماع و به ویژه از سوی گروه مرجع و دیگران بر فرد وارد می‌آید و در نتیجه این فشار، افراد خود را ملزم می‌دانند تا در رفتار و عقاید خود تغییراتی ایجاد کنند و خود را با جمع هماهنگ سازند. بنابراین بر طبق این نظریه، بسط خرافات در اجتماع یک نوع هم‌رنگی اجتماعی محسوب می‌شود که افراد برای احراز از توانایی ورود به جماعت و مورد قبول واقع شدن به آن دست می‌زنند.



نمودار شماره (۴) - نمودار علی گرایش به خرافات از منظر هم‌رنگی اجتماعی

۱-۶- گونه‌شناسی خرافات

دایرةالمعارف بریتانیکا چهار نوع خرافه را دسته‌بندی می‌کند: ۱. عبادت ناشایست خدای واقعی؛ ۲. بت‌پرستی؛ ۳. فالگیری و ۴. عقاید باطلی چون جادو و جنبل. این دایرةالمعارف پس از طبقه‌بندی خرافات، به صورت جزئی انواع خرافات را خارج از موارد زیر نمی‌داند: طالع‌بینی، تفال

به هوا، طلسم، غیب‌گویی یا کف‌بینی، تفال به‌وسیله آینه، تفال به وسیله نمک، فال‌گیری با ورق، رمل و اسطرلاب، تفال به‌وسیله آب، پرستش خورشید، ماه، ستارگان و حیوان‌پرستی، شیطان‌پرستی، غیب‌گویی، احضار مردگان، روح‌گرایی و پیشگویی از طریق خواب، طلسم عشق، جادو و جنبل.

دسته‌بندی دیگری که در مورد انواع خرافات انجام گرفته، مربوط به دکتر یوسف فضایی است. او در مقاله خویش پس از تعریف خرافات و اوهام، خرافات را به ۶ دسته تقسیم می‌کند که این ۶ گروه عبارت‌اند از:

۱. کهانت و پیشگویی حوادث آینده؛
۲. جن‌گیری و ارتباط؛
۳. طالع‌بینی، فال‌بینی و دعا نویسی؛
۴. توسل به جادو، طلسم و تعویذ؛
۵. عقیده به حاکمیت سرنوشت؛
۶. عقیده به بخت، شانس و قسمت.

در ارتباط با مورد شماره ۲، نکته اینجاست که نفس اجانبین و وجود آن در بسیاری از متون و کتب اسلامی تأیید شده و حتی بسیاری از یافته‌های علمی جدید نیز مؤید وجود آنهاست. اما این یک چیز است و نحوه بهره‌برداری از آن و ادعاهایی که عوام در مواد تسخیر یا به‌کارگیری اجنه می‌نمایند، مسئله دیگری است. بنابراین بررسی وجود یا

عدم وجود این مسئله در بضاعت این تحقیق نیست، ولی آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت، ادعاهای افرادی است که مدعی تسخیر روح و جن می‌باشند.

منصور نیک پناه نیز معتقد است که چهار نوع خرافه در بین جوامع رایج است:

۱. خرافات به عنوان جهان بینی: اعتقاد به ارواح (پرستش درخت، رودخانه، حیوانات، ارواح نیاکان، که فتیسیسم و آنیمیسم از این دسته‌اند).

۲. خرافات اجتماعی: خوش‌شانسی،

بدشانسی، به تخته زدن، طلسم، تعویذ، آینه شکستن، جاهای مراد، عطسه زدن و ...؛

۳. تجربه‌های غیبی: اشباح، خانه‌های جن‌زده، پیشگویی و کهنات؛

۴. خرافات شخصی: تصور شخصی در مورد سعد و نحس بودن رنگ‌ها، روزها، مکان‌ها و

طبقه‌بندی‌هایی که تاکنون در مورد انواع خرافات انجام گرفته است، هر کدام در نوع خود بسیار جالب و قابل توجه هستند، اما بعضاً اصول اولیه جامعیت و مانعیت را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند، لذا با امعان نظر به طبقه‌بندی‌های انجام گرفته و با بررسی زمینه‌های مشترک اعتقادات خرافی، طبقه‌بندی زیر که اکثراً بر اساس هدفی که

در گرایش به خرافات وجود دارد، به چهار دسته تقسیم شده است:

۱. اعتقاد به نیروهایی که در طبیعت هستند:

این دسته از خرافات به مواردی ارتباط دارد که به ابعاد ماوراءالطبیعی زندگی انسان‌ها اشاره می‌کند و در واقع این دسته از باورها بیشتر حالت شهودی دارند. در این طبقه، خرافاتی چون احضار و ارتباط با ارواح، احضار و ارتباط با اجنه و جادوگری را می‌توان نام برد.

۲. پیش‌بینی حوادث آینده (پیشگویی) دسته دیگر از خرافات ماهیت پیشگویی و پیش‌بینی حوادث آینده دارند و مواردی چون فالگیری، طالع‌بینی و کف‌بینی از این نوع می‌باشند.

۳. دور کردن بلا و مصیبت تعدادی دیگر از خرافات ماهیتاً به منظور دور کردن بلا و مصیبت انجام می‌گیرد که در این گروه خرافاتی چون آویزان کردن مهره مار، اسفند دود کردن و تخم مرغ شکستن قرار می‌گیرد.

۴. دستیابی به خواسته‌ها و نیازها دسته دیگر از انواع خرافات ناظر بر این بعد است که خرافات در خدمت افراد قرار می‌گیرند تا دخل و تصرفی در پدیده‌ای به

علمی و از نوعی اثباتی آن است. بر همین اساس کلیه گزاره‌های غیر اثباتی و تجربی خرافه و از نوع منفی ارزیابی می‌شوند.

با ذکر این نکته که تحقیق حاضر که به منظور سنجش میزان خرافه‌گرایی در بین مردم تدارک دیده شده است، با امعان نظر به چالش‌های موجود و پرهیز از اختلاط مفهوم خرافه با مفاهیمی چون سنت، دین و حقیقت همچنین پرهیز از قضاوت شخصی درباره عقاید رایج و انتخاب خرافه از بین آنها و به منظور توصیف وضعیت موجود، از بین راهکارهای مختلف، راهکار تجربی را پیش کشد. در این روش چندین نکته نظری و روشی مورد توجه قرار گرفته است که این نکات عبارت‌اند از:

۱. بعد از مطالعه مفصل ادبیات نظری انواع خرافات، آن نوع عقایدی به عنوان خرافه انتخاب شد که دارای معیار تواتر و نوعی اعتبار صوری^(۲) باشند و به عبارتی متون زیادی به خرافه بودن این نوع عقاید و باورها اذعان داشته باشد.

۲. در این تحقیق ارزیابی پاسخگو از خرافی بودن با نبودن یک عقیده، ملاک عمده تمیز عقاید حقیقی و عقاید خرافی از یکدیگر بودند. در این روش پاسخگو اولاً نظر خود را از واقعیت داشتن با نداشتن عقاید

وجود آورند که این دخل و تصرف معمولاً برای برآوردن نیاز یا خواسته‌ای از بشر به کار می‌رود. در این طبقه مواردی چون افسونگری، درمان بیماری‌های لاعلاج، چیزخور کردن افراد قرار می‌گیرد.

۱-۷- چالش‌های موجود و پیش روی سنجش خرافه‌گرایی و استراتژی تحقیق در قبال آن

در ارتباط با خرافه و خرافه‌گرایی ذکر این نکته ضروری است که خرافه همیشه از دید ناظر خارجی که علم به روابط بین پدیده دارد (یا بر این باور است که روابط بین پدیده علم یافته)، معنا می‌یابد. بر این اساس شیوه رایج حل یا توضیح مسئله در یک پارادایم خاص یا یک گفتمان حاکم، به هیچ عنوان خرافه یا خرافه‌گرایی به حساب نمی‌آید. خرافه آن هنگام معنا می‌یابد که از خارج گفتمان و فراروایت‌های حاکم بر گفتمان، از زاویه و منظر گفتمانی دیگر و پارادایمی متفاوت بدان نظر کنیم و بدان نسبت خرافه دهیم. به بیان دیگر مدعی آنیم که شیوه توضیح یا حل مسئله طرف مقابل برمبنای واقعیت نیست. علت اینکه در تعریف از خرافه عموماً بر غیر اثباتی بودن و غیر علمی بودن گزاره‌ها و قضایای خرافی تأکید می‌شود، این است که گفتمان و پارادایم حاکم گفتمان

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Spss11/5 استفاده شد، که بنابر ضرورت از آماره‌های توصیفی و استنباطی چون جداول دو بعدی^{۱۹}، ضرایب همبستگی^{۲۰}، و مقایسه میانگین‌ها^{۲۱} استفاده شده است.

۲- یافته‌های توصیفی (توصیف یافته‌ها)

۲-۱- سیمای پاسخگویان

همان‌گونه که جدول شماره (۱) نشان می‌دهد، ۴۹/۹ درصد از افراد وارد شده در نمونه را زنان و ۵۰/۱ درصد دیگر را مردان به خود اختصاص داده‌اند.

از این میان ۳۲/۶ درصد مجرد و ۶۷/۴ درصد متاهل می‌باشند. از میان اقوام مختلف، فارس‌ها با ۶۰/۱ درصد بیشترین فراوانی را دارا می‌باشند. پس از فارس‌ها، ترک با ۲۸/۹ درصد از نظر فراوانی در رتبه دوم جای دارند.

جدول شماره (۱) - توزیع فراوانی

درصدی متغیرهای زمینه‌ای کیفی

متغیرها	جنسیت		وضعیت تاهل				قومیت			محل تولد	
	زن	مرد	مجرد	متاهل	فارس	ترک	سایر اقوام	تهران	سایر اقوام	شهرستان	شهر
مقوله‌ها											
درصد فراوانی	۴۹/۹	۵۰/۱	۳۲/۶	۶۷/۴	۶۰/۱	۲۸/۹	۱۱/۱	۶۲/۳	۳۷/۷	۲۲/۴	۷۲/۶

مطرح شده ابراز می‌دارد (جزء ارزیابی نگرش)، سپس میزان تمایل خود به رفتار خرافی را بیان می‌نماید (جزء تمایل به عمل نگرش) و در نهایت نتیجه‌مند بودن یا نبودن نوع رفتار ابراز شده مورد پرس‌وجو قرار می‌گیرد. این روش فی نفسه چندین مزیت دارد: اول، این روش بر آراء و عقاید مردم در مورد باورها تکیه می‌کند و دوم، مانع دخالت نظر محقق در خرافی بودن یا نبودن یک رفتار/ عقیده می‌شود.

بنابراین تحقیق حاضر سعی نموده با راهکارهای متفاوت به بررسی میزان خرافه‌گرایی مردم بپردازد، ولی آنچه واضح است، اینکه به دلیل چالش‌های موجود و عدم وجود ادبیات نظری و ریشه‌شناسی انواع خرافه در جامعه باید در تعمیم نتایج احتیاط شود.

۸-۱- روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش پیمایشی انجام شده و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها بهره جسته است.

جامعه آماری این تحقیق کلیه شهروندان تهرانی می‌باشند که از تعداد کل جامعه آماری نمونه‌ای ۱۰۱۷ نفری به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و مورد

بررسی قرار گرفتند.

عقیده اسپند دود کردن و یا حقیقتاً بی‌اطلاعی او از این گونه عقاید باشد، به طور قطع می‌توان گفت که ۹۶/۱ درصد از پاسخگویان در این مورد آگاهی داشته و حداقل یک بار در مورد این نوع عقاید چیزی شنیده‌اند.

جدول شماره (۲) - توزیع فراوانی درصدی پاسخگویان بر حسب آگاهی یا عدم آگاهی از وجود باورهای خرافی

اطلاع از وجود باورهای خرافی	درصد فراوانی
بلی	۹۶/۱
خیر	۳/۹
کل	۱۰۰

۲-۳- اظهار نظر درباره واقعی یا غیر واقعی بودن برخی از عقاید رایج

۲-۳-۱- به منظور اطلاع از نظر جامعه درباره عقاید خرافی رایج از پاسخگویان خواسته شد که نظر خود را درباره واقعی یا غیر واقعی بودن برخی از عقاید رایج ابراز نمایند. جدول شماره (۳) میانگین نظرات پاسخگویان درباره هر عقیده را نشان می‌دهد.

میانگین سنی افراد پاسخگو ۳۵ سال و مدت اقامت در تهران ۲۹ سال می‌باشد. میانگین تحصیلات پاسخگویان نیز ۱۱/۲ سال می‌باشد.

۲-۲- آگاهی مردم در مورد باورهای خرافی

هسته مرکزی، موضوع نگرش است. به بیان دیگر تا موضوعی وجود نداشته باشد، نگرشی پیرامون آن شکل نمی‌گیرد و در همین ارتباط سؤال آغازین تحقیق حاضر در پی کشف آگاهی مردم از وجود باورهای خرافی بود. بدین منظور ورود به بحث با این سؤال آغاز شد که "برخی از باورها و عقاید در بین مردم وجود دارند که عده‌ای از مردم انجام دادن آن را خوب می‌دانند و بعضی دیگر انجام آن را خیلی خوب نمی‌دانند، مثلاً بعضی از افراد برای جلوگیری از چشم زخم، اسفند دود کردن را مفید می‌دانند، حال بگوئید تا به حال در مورد این عقاید چیزی شنیده‌اید". نتایج نشان می‌دهد که ۳/۹ درصد از افراد مورد مطالعه در این زمینه اظهار بی‌اطلاعی نموده‌اند. صرف نظر از اینکه ۳/۹ درصد از افراد اظهار بی‌اطلاعی شان ناشی از طرح بد سؤال پرسشگر، فهم نادرست از سؤال و ملاک قرار دادن تنها

جدول شماره (۳) - میانگین نظرات پاسخگویان درباره برخی عقاید رایج

عقاید رایج	میانگین
آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن او	۲/۴۰
اسپند دود کردن برای جلوگیری از چشم زخم	۲/۲۶
صبر کردن پس از عطسه کردن برای رفع خطر احتمالی شکستن تخم مرغ برای جلوگیری از چشم زخم	۲/۲۲
شکستن تخم مرغ برای جلوگیری از چشم زخم	۱/۸
گره زدن سبزی برای برآورده شدن حاجت	۱/۵
آویزان کردن مهره مار برای جلوگیری از چشم زخم	۱/۲۷

max=3

Min=1

همان گونه که مشاهده می شود، پاسخگویان عقیده آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن او را بیشتر از سایر عقاید منطبق با واقعیت دانسته اند (میانگین = ۲/۴۰ [بین نقاط شاید واقعیت داشته باشد و قطعاً واقعیت دارد]).

۲-۳-۲- عمل به باورهای خرافی

پس از اطلاع از باور فرد پاسخگو در ادامه از او سؤال شد که آیا تاکنون این اعمال را انجام داده اید یا خیر و نتیجه عمل نیز او سؤال شد که در زیر گزارش می شود.

در زمینه انجام هر یک از باورهای مطرح شده فوق، نتایج نشان می دهد که به موازات میانگین باورهای جمعی، ۷۹/۵ درصد از پاسخگویان تاکنون عمل آب ریختن پشت سر مسافر برای سلامت او را انجام داده اند. درصد انجام سایر رفتارهای خرافی در جدول شماره (۴) خلاصه شده است.

جدول شماره (۴) - توزیع فراوانی درصدی پاسخگویان برحسب عمل به برخی از عقاید

عقاید رایج	درصد مرتکبان
آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن او	۷۹/۵
اسپند دود کردن برای جلوگیری از چشم زخم	۷۸/۵
صبر کردن پس از عطسه کردن برای رفع خطر احتمالی شکستن تخم مرغ برای جلوگیری از چشم زخم	۶۴/۶
شکستن تخم مرغ برای جلوگیری از چشم زخم	۴۳/۱
گره زدن سبزی برای برآورده شدن حاجت	۲۸/۸
آویزان کردن مهره مار برای جلوگیری از چشم زخم	۷/۶

میانگین ارتکاب به اعمال خرافی که توسط فرد متعهد قابل انجام است، حدود ۵۰/۳۵ است.

۲-۳-۳- سودمندی عمل به باورها

صرف نظر از اینکه باور داشتن به یک موضوع می تواند زمینه های ارزیابی مثبت

۲-۴- باور، مراجعه و سودمند دانستن افراد مدعی ارایه خدمات خارق العاده

در کنار باور به موضوعاتی که فرد شخصاً می‌تواند به آنها دست زند، باور به موضوعاتی هم رایج است که از پیچیدگی بیشتری برخوردارند و فرد شخصاً قادر به انجام آنها نیست (یا خود را قادر به انجام آنها نمی‌داند). در همین راستا و بر اساس همین نیاز افراد و گروه‌هایی فرصت را غنیمت شمرده و با ادعای اینکه قادر به پاسخگویی به این نیازها هستند، خدماتی را عرضه می‌کنند. این دسته از افراد شامل رمال‌ها، فال‌گیرها، جن‌گیرها و ... می‌باشند. در این ارتباط ارزیابی پاسخگویان از واقعی بودن یا واقعی نبودن ادعاهای این افراد مورد سنجش قرار گرفت، سپس میزان مراجعه افراد مورد مطالعه این افراد سنجش شد و در نهایت نتیجه‌مند بودن یا نبودن این مراجعه نیز از پاسخگویان پرسیده شد.

۲-۴-۱- باور به افراد مدعی ارایه خدمات خارق العاده (واقعی و غیر واقعی دانستن این ادعاها)

مقایسه میانگین‌های مربوط به واقعی یا غیر واقعی بودن ادعاهای افراد فوق نشان می‌دهد که پاسخگویان بیش از هر کس

درباره آن موضوع را فراهم کند، احساس اینکه موضوع، پدیده، عمل یا حادثه‌ای منجر به نتیجه مثبت برای فرد شده باشد، می‌تواند به عنوان یک پاداش و تقویت‌کننده رفتار، زمینه‌های ارزیابی مثبت و استنتاج فایده‌مندی را به همراه داشته باشد. در این راستا از پاسخگویان خواسته شد که در خصوص فایده‌مندی باورهای انجام شده (عمل به باور) اظهار نظر نمایند.

نتایج حکایت از آن دارند که ۹۲/۳ درصد از پاسخگویانی که عمل شکستن تخم مرغ را انجام داده‌اند، اعتقاد دارند که این کار باعث دفع چشم زخم می‌شود. برای سایر باورها درصدهای مربوط به قرار جدول شماره (۵) هستند.

نمودار شماره (۵) - توزیع فراوانی (درصدی) پاسخگویان بر حسب فایده‌مندی اعمال انجام شده

نتیجه‌مند بودن	فایده‌مند بودن اعمال انجام شده
۸۴	اسفند دود کردن برای جلوگیری از چشم زخم
۷۹/۷	آویزان کردن مهره مار برای جلوگیری از چشم زخم
۹۲/۳	شکستن تخم مرغ برای جلوگیری از چشم زخم
۹۱/۶	آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن او
۵۹	گره زدن سبزی برای برآورده شدن حاجات
۹۱/۲	صبر در هنگام عطسه برای رفع خطر احتمالی

۲-۴-۲- مراجعه به افراد مدعی خدمات خارق العاده

در زمینه وضعیت مراجعه به هر یک از افراد فوق، نتایج نشان می‌دهد که پاسخگویان بیش از همه به فال‌گیرها مراجعه کرده‌اند (۱۷/۲ درصد) و کمتر از همه به احضار کنندگان اجنه مراجعه نموده‌اند (۴/۸ درصد). درصد مراجعه به طالع‌بین‌ها (۱۰/۶ درصد)؛ افسونگران (۹/۸۱ درصد)؛ و احضار کنندگان ارواح (۸/۸ درصد) نیز در رده بعد از فال‌گیرها قرار دارند. ستون میانی جدول شماره (۶) توزیع فراوانی درصد مراجعه کنندگان به مدعیان این گونه اعمال را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۶) - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مراجعه و نتیجه مند بودن مراجعه به افراد مدعی خدمات خارق العاده

مراجعه	نتیجه مند بودن	
۸/۸٪	۷۰٪	احضار کنندگان ارواح
۹/۸٪	۷۴/۴٪	افسونگران
۴/۸٪	۷۱/۷٪	احضار کنندگان اجنه
۵٪	۶۳/۸٪	جادوگران
۱۷/۲٪	۴۹/۱٪	فالگیرها
۱۰/۶٪	۷۴/۴٪	طالع‌بین‌ها
۷/۱٪	۵۱/۶٪	کف‌بین‌ها
۷/۷٪	۷۱/۸٪	درمان کنندگان بیماری‌های لاعلاج

ادعاهای افسونگران را واقعی می‌پندارند، هرچند نباید این نکته را فراموش کرد که نگرش پاسخگویان هیچ‌گاه از متوسط به سمت واقعی دانستن این افراد تمایل پیدا نکرده است، بدین معنا که افراد مورد مطالعه چندان اعتقادی به افراد و ادعاهای آنها ندارند، میانگین‌های نظرات پاسخگویان در خصوص میزان واقعی یا غیر واقعی بودن سایر گروه‌های مدعی ارائه خدمات خارق العاده به قرار زیر است:

کسانی که توانایی احضار و ارتباط با روح مردگان را دارند با میانگین ۱/۵۸، کسانی که توانایی ارتباط با اجنه و احضار آنها را دارند ۱/۵۱، کسانی که اظهار می‌کنند قادر به طلسم و جادو کردن هستند ۱/۴۲، کسانی که اظهار می‌کنند می‌توانند بیماری‌های لاعلاج را درمان کنند ۱/۴۰، طالع‌بین‌ها یعنی کسانی که از طریق سیارات ابعاد درونی شخصیت فرد را می‌شناسند ۱/۳۷، فالگیرها یعنی کسانی که به وسیله خصوصیات و مشخصات فرد، آینده او را پیش‌بینی می‌کنند، ۱/۳۷ و کف‌بین‌ها یعنی افرادی که از طریق خطوط کف دست، فرد را شناسایی می‌کنند ۱/۲۱.

۲-۵- مقایسه میانگین‌های عقاید ذکر شده

یکی از اساسی‌ترین خصایص کار عملی، مقایسه است. با مقایسه می‌توان ابعاد مورد مطالعه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و رأی بر اولویت یکی و تأخر دیگری داد. به دلیل اهمیت مقایسه در همه علوم و به‌خصوص علوم اجتماعی در این بخش میانگین انواع مختلف عقاید و باورهای خرافی که در بالا به‌صورت تک‌تک گزارش شد، با همدیگر مقایسه می‌شود، نکته قابل توجه این است که هر عقیده و باور خرافی از ۱ تا ۳ نمره‌گذاری شده که نمره ۱ کمترین و نمره ۳ بیشترین نمره است.

همان‌گونه که در جدول شماره (۷) ملاحظه می‌شود، میانگین‌های میزان مقبولیت (قبول داشتن یا نداشتن) عقاید فوق نشان می‌دهد اول اینکه اکثر عقاید حول و حوش تا حدودی پایین‌تر از متوسط قرار گرفته‌اند که نشان از این دارد که اکثریت مردم عقاید مطرح‌شده فوق را کمتر قبول دارند و دوم، عقایدی چون خوش‌شانسی و بدشانسی، صبر کردن در هنگام عطسه نمودن، اگر شخص فوت‌شده در خواب چیزی به شما بدهد طلب خیرات از شما دارد و اگر شخص فوت‌شده چیزی از شما بگیرد، از بین

میانگین ارتکاب به اعمال و مناسک خرافی که توسط افراد دیگر برای فرد معتقد انجام می‌شود (مراجعه)، حدود ۸/۹ بوده است.

۲-۴-۳- سودمندی خدمات خارق‌العاده دریافت شده

۷۰ درصد از مراجعه‌کنندگان به احضارکنندگان ارواح معتقد بوده‌اند که این مراجعه نتیجه داشته است. ۷۴/۱ درصد از مراجعین به افسونگران از مراجعه راضی بوده، ۷۱/۷ درصد از مراجعه‌کنندگان به احضارکنندگان اجنه کار آنها را نتیجه‌مند دانسته‌اند، ۶۳/۸ درصد از مراجعین به جادوگران کار آنها را با نتیجه دانسته، ۴۹/۱ درصد از کسانی که به فالگیرها مراجعه نموده‌اند، کار آنها را با نتیجه دانسته، ۷۴/۴ درصد از مراجعین به طالع‌بین‌ها این مراجعه را با نتیجه قلمداد نموده‌اند، ۵۱/۶ درصد از پاسخگویان مراجعه‌کننده به کف‌بین‌ها این مراجعه را با نتیجه دانسته‌اند و در نهایت ۷۱/۸ درصد از کسانی که نزد درمان‌کنندگان بیماری‌های لاعلاج رفته‌اند، کار آنها را با نتیجه دانسته‌اند. بنابراین بیشترین میزان نتیجه‌مند بودن مراجعه، از نظر پاسخگویان مربوط به طالع‌بین‌هاست.

جدول شماره (۷) مقایسه میانگین عقاید

ردیف	نوع عقیده و میانگین
۱	عدد ۱۳ نحس است (۱/۵۵)
۲	خوش شانس و بدشانسی (۲/۳۹)
۳	زدن ناخن‌ها به هم باعث دعوا می‌شود (۱/۲۷)
۴	اگر کفش‌ها روی همدیگر قرار گیرد فرد به مسافرت خواهد رفت (۱/۴۱)
۵	حضور دختر دم بخت بر سر سفره عقد دختر دیگر نحس است (۱/۲۱)
۶	افتادن قند در چای باعث آمدن میهمان می‌شود (۱/۶۴)
۷	سوت زدن در شب بدیمن است (۱/۲۶)
۸	اگر تینه‌های قچی را به هم بزنند حتماً دعوا می‌شود (۱/۵۳)
۹	اگر سر بینی بخارد، حتماً به میهمانی خواهید رفت (۱/۲۱)
۱۰	حمام کردن در بعضی روزها بدیمن است (۱/۲۹)
۱۱	بعضی از روزها، مکان‌ها و رنگ‌ها نحس هستند (۱/۳۹)
۱۲	خاریدن کف دست نشانه پولدار شدن فرد است (۱/۶۶)
۱۳	صبر کردن در هنگام عطسه نمودن (۲/۲۰)
۱۴	ردیف شدن استکان‌ها پشت سر هم نشانه آمدن مهمان است (۱/۸۳)
۱۵	موها را نباید در شب شانه کرد (۱/۳۲)
۱۶	نگهداری جغد در خانه نشانه شوم بودن آن است (۱/۷۳)
۱۷	خوردن پیاز خام در روز جمعه خوب نیست (۱/۳۲)
۱۸	پاشیدن نمک در کفش میهمانی که می‌خواهیم زودتر برود (۱/۴۰)
۱۹	نگاه کردن به آینه در شب بدیمن است (۱/۲۱)
۲۰	لقمه غذا اگر در گلوئی شخص گیر کند یکی از اعضای خانواده گرسنه است (۱/۶۵)
۲۱	اگر تقاله جای روی آب بیاید نشانه آمدن میهمان است (۱/۷۹)
۲۲	لکه سفید روی ناخن نشانه خوشبختی است (۱/۳۴)
۲۳	اگر شخص فوت شده در خواب چیزی به شما بدهد طلب خیرات از شما دارد (۲/۳۲)
۲۴	اگر شخص فوت شده در خواب چیزی از شما بگیرد از بین فامیل کسی می‌برد (۲/۰۲)
۲۵	زنی که تازه بچه به دنیا آورده است نباید تنها بماند، چرا که آل به سرافش می‌آید و او را می‌برد (۱/۶۴)
۲۶	وصل کردن سنجاقی به لباس برای محافظت از جن زدگی (۱/۵۱)
۲۷	وقتی پسری سر سفره غذا می‌رسد مادر زرش او را دوست خواهد داشت (۱/۸۶)
۲۸	بچه ای که زیاد گریه کند قطعاً خوش آواز می‌شود (۱/۳۶)
۲۹	خوردن ته دیگ توسط عروس داماد باعث آمدن باران در شب عروسی می‌شود (۱/۲۰)
۳۰	پاشیدن آب به گربه باعث درآمدن زگیل روی دست می‌شود (۱/۶۴)
۳۱	گرفتن چاقو به طرف کسی باعث کم شدن عمر شخص می‌شود (۱/۳۱)

پروژه

بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی

مشاهده می‌شود هر چه قدر مفاهیم به سوی مفاهیم انضمامی و عینی نزدیک می‌شوند، از میزان باور جامعه (میانگین) کاسته می‌شود (به جز گزاره‌ای که در ارتباط با مهمان و مهمان‌نوازی است). بالاترین ارقام (میانگین) مربوط به گزاره‌هایی است که انتزاعی‌ترین، غیر واقعی‌ترین و غیر تجربی‌ترین مفاهیم را

فامیل کسی می‌میرد، بالاتر از متوسط قرار گرفته‌اند و به سمت قبول دارم، تمایل پیدا کرده‌اند.

در تحلیل داده‌های فوق می‌توان هر یک از باورها را یک گزاره شرطی در نظر گرفت که دارای حداقل دو مفهوم اصلی است که به گونه‌ای به هم پیوند داده شده‌اند. در نگاهی به مفاهیم موجود در هر یک از گزاره‌ها

جدول شماره (۸) - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مطالعه یا عدم مطالعه ستون طالع‌بینی روزنامه‌ها

ارزش‌های متغیر	درصد
بلی همیشه	۱۳/۲٪
بلی بعضی وقت‌ها	۴۳/۲٪
خیر، اصلاً	۴۳/۶٪

۲-۷- وجود یا عدم وجود کتاب طالع‌بینی در منزل و مراجعه به آن

مطالعات و تحقیقات عدیده ای نشان داده است که اگر فرد در معرض چیزی قرار داشته باشد، به مرور زمان تمایل و کششی به سمت آن چیز در فرد به وجود می‌آید. این نظریه به ویژه در مباحث کنترل اجتماعی و از بین بردن زمینه‌های جرم و انحراف بسیار مفید و مؤثر بوده است. به همین ترتیب و بر اساس ایده نهفته در این نظریه می‌توان انتظار داشت گرایش به عقاید خرافی نیز با وجود یا عدم وجود کتاب طالع‌بینی در منزل شدت و ضعف پیدا می‌کند. در اینجا تهیه کتاب طالع‌بینی مد نظر نیست، چون کسی که کتاب را تهیه کرده است، زمینه استفاده و گرایش به آن را نیز دارد. در اینجا فرض وجود و تهیه آن توسط فرد دیگر است. نتایج این تحقیق نیز گویای این است که ۲۸ درصد از پاسخگویان در منزل خویش کتاب طالع‌بینی داشته و ۷۲ درصد این امکان را در

در خود دارند. خلاصه اینکه مفهوم انتزاعی مفهوم اولیه یا شرط گزاره نیز باشد.

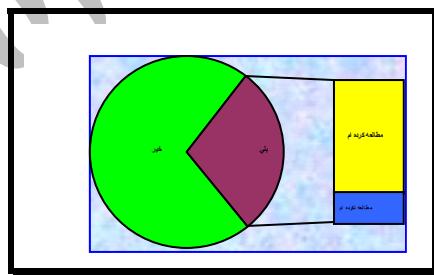
از نگاهی دیگر چنانچه گزاره‌ها را به دو دسته گزاره‌های مثبت و منفی تقسیم کنیم و میانگین میانگین‌هایشان را با هم مقایسه کنیم، خواهیم دید که مقدار گزاره‌های مثبت (۱/۶۴) بیشتر از گزاره‌های منفی (۱/۳۹) است. این بدان معناست که میزان گرایش مردم به گزاره‌ها یا عقایدی که اشارات مثبتی را در زندگی ترویج می‌کنند، بیش از گرایش به موارد منفی است. به عنوان شاهدهی بر مدعا می‌توان به گزاره‌های ۲۳ و ۲۴ اشاره کرد. این دو گزاره در حقیقت بیان یک حقیقت از دو زاویه است، اما گرایش به گزاره ۲۳ بیشتر است.

۲-۶- مطالعه ستون طالع‌بینی روزنامه‌ها

در مورد مطالعه ستون طالع‌بینی روزنامه‌ها توسط پاسخگویان نتایج نشان می‌دهد که ۱۳/۲ درصد از افراد مورد مطالعه، همیشه ستون طالع‌بینی روزنامه‌ها را مطالعه می‌کنند، ۴۲/۳ درصد بعضی وقت‌ها این کار را انجام می‌دهند و ۴۳/۶ درصد ستون طالع‌بینی روزنامه‌ها را اصلاً مطالعه نمی‌کنند.

اختیار نداشته‌اند و میان کسانی که در منزل خویش کتاب طالع‌بینی داشته‌اند (یعنی ۲۸ درصد)، ۲۲ درصد به این کتاب‌ها مراجعه نموده و ۶ درصد مابقی به این کتاب‌ها مراجعه نکرده‌اند، لذا نتایج نیز فرضیه فوق را حمایت می‌کند و وجود کتاب طالع‌بینی در منزل احتمال استفاده از آن را نیز بیشتر کرده است.

نمودار شماره (۵) - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجود یا عدم وجود کتاب طالع‌بینی در منزل و مراجعه به آنها



۳- تحلیل یافته‌ها

پس از بررسی نتایج توصیفی متغیرهای موجود در طرح بررسی اعتقادات فرهنگی شهروندان تهرانی، در ادامه پاره‌ای از نتایج تبیینی جالب توجه در این طرح مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بخش قبل درصدها و میانگین‌های مربوط به هر عقیده و باور مورد بررسی اجمالی قرار گرفت. بعد از این کار در ادامه

تحقیق، به منظور دستیابی به یک ارزیابی کلی از میزان اعتقاد مردم به این‌گونه باورها، تمام باورها دوباره کدگذاری^{۲۲} شد. بدین منظور در کدگذاری جدید کسی که معتقد بود هر عقیده "قطعاً واقعیت دارد"، بیشترین نمره یعنی ۳ می‌گرفت و کسی که در طرف دیگر طیف یعنی "قطعاً واقعیت ندارد" قرار می‌گرفت، نمره ۱ اخذ می‌نمود. پس از انجام این تغییرات در داده‌ها تمام عقاید و باورها با همدیگر ترکیب^{۲۳} شدند، تا نگرش کلی پاسخگویان به‌دست آید. نتیجه‌ای که از این ترکیب حاصل شد، در یک مقیاس صفر تا صد برابر ۳۲/۷۴ بود که میانگین نگرش کلی پاسخگویان به این دسته از عقاید را نشان می‌دهد؛ لذا می‌توان گفت که میزان شیوع این‌گونه باورها در جامعه خیلی زیاد نمی‌باشد و پایین‌تر از حد متوسط و میانه است.

$$\frac{x - \min}{\text{Range}} \times 100 = \frac{75.16 - 47}{(133 - 47)} \times 100 = 32.47$$

۳-۱- تأثیر جنسیت بر میزان

گرایش به خرافات

با توجه به پیش‌زمینه‌های گفته شده برای متغیر جنسیت در مبانی نظری، به نظر می‌رسد که این تغییر بر روی میزان اعتقاد به باورهای خرافی تأثیر داشته باشد. نتایج

22. Recode
23. Compute

۴۷/۶۰، در بین متأهلین ۷۵/۴۵ می‌باشد. واریانس بین گروهی ۱۶۱/۷۷ می‌باشد، آزمون F رابطه برابر با ۰/۶۰۶ می‌باشد که در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار نمی‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که علیرغم وجود تفاوتی بین میانگین گرایش به باورهای خرافاتی در بین مجردین و متأهلین، این تفاوت به گونه‌ای نیست که بتوان آن را معنی‌دار فرض نمود. بنابراین تفاوتی بین گرایش به خرافات در بین مجردین و متأهلین وجود ندارد.

جدول شماره (۱۰) - آزمون آنالیز واریانس یک طرفه تفاوت میانگین نمره گرایش به خرافات بر حسب وضعیت

تاهل

جنسیت	N	Mean	Std. Deviation	F	sig	Eta ²
مجرد	۳۲۶	۷۴/۶۰	۱۴/۳۵	۰/۶۰۶	۰/۴۳۷	۰/۰۰۱
متاهل	۶۷۴	۷۵/۴۵	۱۷/۲۲			
کل	۱۰۰۰	۷۵/۱۱	۱۶/۳۴			

۳-۳- تأثیر رابطه بین میزان درآمد میزان گرایش به خرافات

جدول ضریب همبستگی حاصل ارتباط این دو متغیر نشان می‌دهد که هر چه بر میزان درآمد پاسخگویان افزوده می‌شود، میزان خرافه‌گرایی در آنها کاهش پیدا می‌کند، ضریب همبستگی پیرسون این دو متغیر ($r = -0/243$) می‌باشد نشان‌دهنده ارتباط تقریباً متوسط رو به پائینی بین این

این تحقیق نشان می‌دهد که میانگین باورهای خرافاتی در بین مردان ۷۳/۲۵ و در بین زنان ۷۶/۹۹ می‌باشد. بنابراین میزان گرایش به خرافات در بین زنان بیشتر از مردان می‌باشد. آزمون F محاسبه شده برابر با ۱۳/۴۸ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ بیانگر آن است که تفاوت بین میانگین‌های زنان و مردان از سر تصادف و یا ناشی از خطا در نمونه‌گیری نمی‌باشد، بلکه ناشی از اختلافات واقعی است که در بین سطوح متغیر جنسیت وجود دارد. ضریب آماری Eta² نیز با مقدار ۰/۰۱۳ گویای این است که متغیر جنسیت به تنهایی ۱ درصد متغیر وابسته (اعتقاد به باورهای خرافاتی) را تبیین می‌کند.

جدول شماره (۹) - آزمون آنالیز واریانس یکطرفه تفاوت میانگین نمره گرایش به خرافات بر حسب جنسیت

جنسیت	N	Mean	F	sig	Eta ²
مرد	۵۰۸	۷۳/۲۵	۱۳/۴۸	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳
زن	۵۰۵	۷۶/۹۹			
کل	۱۰۱۳	۷۵/۱۱			

۳-۲- تأثیر وضعیت تاهل بر میزان گرایش به باورهای خرافاتی

آزمون آنالیز واریانس یکطرفه تفاوت میانگین‌های گرایش به باورهای خرافاتی بر اساس وضعیت تاهل نشان می‌دهد که میانگین گرایش به خرافات در بین مجردین

دو متغیر است که جهت این ارتباط منفی است. این رابطه در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار می‌باشد، بنابراین بین میزان درآمد با میزان خرافه‌گرایی رابطه معکوس وجود دارد.

جدول شماره (۱۱) - ضریب همبستگی بین میزان درآمد و گرایش به خرافات

درآمد	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۹۸۱	-۰/۲۴۳	۰/۰۰۰

۳-۴- تأثیر میزان تحصیلات پاسخگویان بر میزان گرایش به خرافات

یکی دیگر از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر میزان گرایش به خرافات تحصیلات پاسخگویان است، به طوری که احتمال می‌رفت با افزایش میزان تحصیلات، میزان خرافه‌گرایی کاهش پیدا کند (رابطه معکوس). نتایج حاصل از این تحقیق نیز دقیقاً این ارتباط معکوس را اثبات می‌نماید، ضریب همبستگی بین این دو متغیر (۰/۴۳۵-) نشان می‌دهد که اولاً رابطه متوسطی بین دو متغیر وجود دارد، ثانیاً جهت این رابطه نیز معکوس می‌باشد و به میزانی که تحصیلات فرد افزایش پیدا می‌کند، میزان گرایش به خرافات او کاسته می‌شود.

جدول شماره (۱۲) - ضریب همبستگی بین میزان تحصیلات و میزان گرایش به خرافات

تحصیلات	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱۰۱۳	-۰/۴۵۳	۰/۰۰۰

۳-۵- تأثیر تحصیلات والدین بر میزان گرایش به خرافات

همان‌گونه که احتمال داده می‌شد، افزایش تحصیلات می‌تواند آگاهی‌های فرد را افزایش داده و زمینه کاهش خرافه‌گرایی را فراهم آورد. احتمال می‌دادیم تحصیلات پدر و مادر و در مجموع سطح آگاهی خانواده - به عنوان یکی از اولین عوامل جامعه‌پذیری - زمینه کاهش خرافه‌گرایی را در افراد فراهم آورد. ضریب همبستگی تحصیلات پدر و میزان گرایش به خرافات ۰/۲۶۹- می‌باشد و ضریب همبستگی تحصیلات مادر و گرایش به خرافات برابر ۰/۲۵۸- می‌باشد که نشان از رابطه تقریباً ضعیفی بین این دو متغیر دارد. آزمون فرضیه در سطح معناداری ۰/۰۰۱ مؤید فرضیه تحقیق و گویای آن است که هر قدر میزان تحصیلات والدین بیشتر شود، میزان گرایش به خرافات کاهش پیدا می‌کند.

۳-۷- اهلیت و میزان گرایش به خرافات

یکی از فرضیه‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی و آزمون قرار گرفت، تأثیر خاستگاه اجتماعی افراد و میزان تمایلات خرافاتی آنها بود. برای محاسبه این فرضیه از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شد. نتایج این رابطه نشان‌دهنده این است که میانگین تمایل به خرافات می‌تواند توسط متغیر اهلیت تبیین شود. به بیان دیگر می‌توان گفت متولدان شهر تهران با متولدان سایر شهرستان‌ها از نظر میزان تمایل به خرافات تفاوت وجود دارد.

جدول شماره (۱۵) - آزمون آنالیز واریانس یکطرفه تفاوت میانگین نمره گرایش به خرافات بر حسب محل تولد

اهلیت	N	Mean	F	sig	Eta ²
تهران	۶۲۳	۷۳/۷۷	۱۱/۷۴	۰/۰۰۱	۰/۰۱۲
شهرستان	۳۷۷	۷۷/۳۸			
کل	۱۰۰۰	۷۵/۱۳			

۳-۸- محل تولد و میزان گرایش به خرافات

میانگین گرایش به خرافات در بین کسانی که در شهر متولد شده‌اند ۷۳/۸۴ و میانگین گرایش به خرافات در بین متولدین روستا ۸۶/۲۰ می‌باشد و گویای این است که

جدول شماره (۱۳) - ضریب همبستگی بین میزان تحصیلات والدین و گرایش به خرافات

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۹۲۳	-/۲۶۹	۰/۰۰۰
۹۳۰	-/۲۵۸	۰/۰۰۰

۳-۶- مدت اقامت در تهران و میزان گرایش به خرافات

ضریب همبستگی بین دو متغیر مدت اقامت در تهران و میزان گرایش به خرافات معادل ۱/۱۱- که نشان از ارتباط ضعیف معکوسی بین این دو متغیر دارد و گویای این است که هر چه مدت اقامت در تهران بیشتر شود، میزان خرافه‌گرایی کمتر می‌شود. این رابطه در سطح ۰/۰۰۱ نیز معنی دار می‌باشد.

جدول شماره (۱۴) - ضریب همبستگی بین مدت اقامت در تهران و گرایش به خرافات

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۹۶۶	-/۱۱۱	۰/۰۰۱

تفاوت فاحشی بین گرایش به خرافات بین متولدین شهر و روستا وجود دارد. از این نظر تمایلات بیشتری در بین روستازاده‌ها وجود دارد. مشاهده واریانس بین گروهی (۱۱۱۱۲/۲۰) و واریانس درون گروهی (۱۰۰۲۹۶/۶۲) و آزمون آماری $F(38/33)$ در سطح $0/000$ نیز گویای این مطلب است که تفاوت ناشی از میزان خرافه‌گرایی در بین متولدین شهر و روستا ناشی از متغیر محل تولد است و به کمک ضریب Eta^2 می‌توان گفت ۱۰ درصد از متغیر گرایش به خرافات به وسیله متغیر محل تولد تبیین می‌شود.

جدول شماره (۱۶) - آزمون آنالیز واریانس یکطرفه تفاوت میانگین نمره گرایش به خرافات بر حسب محل تولد

محل تولد	N	Mean	F	sig	Eta^2
شهر	۲۵۲	۷۳/۵۴	۳۸/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۱۰
روستا	۹۶	۸۶/۲۰			
کل	۳۴۸	۷۷/۰۳			

۳-۹- نوع شغل و میزان گرایش به خرافات

نتایج حاصل از ارتباط این دو متغیر نشان می‌دهد که افراد مورد بررسی که در گروه محصلین جای گرفته‌اند، با میانگین گرایش به خرافات ۷۷/۹۵ بیشترین میزان خرافه‌گرایی را داشته و کارمندان شرکت‌های

خصوصی و دولتی و نیز مدیران مدارس و اساتید دانشگاه‌ها با میانگین تقریباً ۶۹/۶۰ کمترین میزان خرافه‌گرایی را دارند. میانگین میزان خرافه‌گرایی در سایر گروه‌ها نیز عبارت است از: دانشجویان ۶۹/۹۳، فروشندگان و تجاران ۷۶/۱۲، بیکاران و بازنشستگان ۷۲/۶۴، مهندسين و تکنسین‌ها ۷۰/۹۵، هنرمندان ۷۷/۵۵ و کارکنان مشاغل تولیدی ۷۷/۹۱ می‌باشد، واریانس بین گروهی ۱۳۴۶۷/۲۴ و واریانس درون گروهی ۲۲۲۶۲۰/۴ می‌باشد، آزمون آماری F محاسبه شده برابر ۵/۸۵ به دست آمده که در سطح معنی‌داری $0/000$ این رابطه معنی‌دار می‌باشد، ضریب آماری Eta^2 این رابطه نیز برابر ۰/۰۵۷ می‌باشد که نشان از این دارد که ۵/۷ درصد متغیر میزان خرافه‌گرایی بر اساس نوع شغل تبیین می‌شود.

جدول شماره (۱۷) - آزمون آنالیز واریانس یکطرفه تفاوت میانگین نمره گرایش به خرافات بر حسب نوع شغل

نوع شغل	N	Mean	F	sig	Eta^2
محصل	۶۹	۷۷/۹۵	۵/۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۵۷
خانه‌دار	۳۰۲	۷۸/۹۲			

۱۰ برابر ۷۰/۱۱، منطقه ۱۱ برابر ۶۵/۱، منطقه ۱۲ برابر ۷۳/۱۱، منطقه ۱۳ برابر ۶۹/۴۶، منطقه ۱۴ برابر ۷۲/۳۱، منطقه ۱۵ برابر ۸۳/۸۸، منطقه ۱۶ برابر ۷۶/۸۱، منطقه ۱۷ برابر ۷۸/۵۸، منطقه ۱۹ برابر ۸۴/۶۰، منطقه ۲۰ برابر ۸۰/۵۷، منطقه ۲۱ برابر ۷۸/۹۸ و منطقه ۲۲ برابر ۶۷/۵۰ می‌باشد.

واریانس بین گروهی این رابطه برابر ۳۸۵۵۲/۶۸ و واریانس دورن گروهی ۲۳۲۰۱۶/۲ می‌باشد، آزمون آماری F محاسبه شده نیز در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار بوده و ضریب Eta^2 نیز که معادل ۰/۱۴ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۱۴ درصد متغیر خرافه‌گرایی به وسیله منطقه محل سکونت تبیین شده است.

جدول شماره (۱۸) - آزمون آنالیز واریانس یکطرفه تفاوت میانگین نمره گرایش به خرافات بر حسب منطقه محل سکونت

منطقه محل سکونت	N	Mean	F	sig	Eta^2
منطقه ۱	۵۰	۶۴/۸۷	۸/۲۷	۰/۰۰۰	۰/۱۴۳
منطقه ۲	۴۱	۷۵/۵			
منطقه ۴	۸۰	۶۹/۲۳			
منطقه ۵	۶۸	۷۵/۸			
منطقه ۶	۵۹	۷۱/۴۸			
منطقه ۷	۴۳	۷۴/۲۹			
منطقه ۸	۵۰	۷۳/۷۷			
منطقه ۹	۲۰	۷۹/۳۷			

دانشجو	۶۶	۶۹/۹۳
فروشنده و تجار	۷۳	۷۶/۱۲
بیکار و بازنشسته	۱۲۴	۷۲/۶۴
کارمندان شرکت‌های خصوصی و دولتی	۱۱۸	۶۹/۵۵
مهندسين و تکنسین‌ها	۳۱	۷۰/۹۵
هنرمندان	۲۳	۷۰/۵۴
کارکنان مشاغل تولیدی	۴۳	۷۷/۹۱
مدیران مدارس و اساتید دانشگاه‌ها	۳۲	۶۹/۶۴
کل	۸۸۱	۷۴/۹۱

۳-۱۰- منطقه و گرایش به خرافات

ارتباط بین منطقه و گرایش به خرافات نیز توسط آزمون آنالیز واریانس یکطرفه نشان‌دهنده این است که پاسخگويانی که در منطقه ۱۸ سکونت داشته‌اند، با میانگین گرایشی برابر ۸۶/۶۵ بیشترین میزان خرافه‌گرایی را داشته و پاسخگویان منطقه ۱ با میانگین خرافه‌گرایی برابر ۶۴/۸۷ کمترین میزان خرافه‌گرایی را داشته‌اند. میانگین خرافه‌گرایی در بین سایر گروه‌ها عبارت‌اند از: منطقه ۲ برابر ۷۵/۵۰، منطقه ۴ برابر ۶۹/۲۳، منطقه ۵ برابر ۷۵/۸، منطقه ۶ برابر ۷۱/۴۸، منطقه ۷ برابر ۷۴/۲۹، منطقه ۸ برابر ۷۳/۷۷، منطقه ۹ برابر ۷۹/۳۷، منطقه

منطقه ۱۰	۴۷	۷۰/۱۱
منطقه ۱۱	۲۰	۶۵/۱
منطقه ۱۲	۲۲	۷۳/۱۱
منطقه ۱۳	۶۰	۶۹/۴۶
منطقه ۱۴	۶۵	۷۲/۳۱
منطقه ۱۵	۱۰۰	۸۳/۸۸
منطقه ۱۶	۴۰	۷۶/۸۱
منطقه ۱۷	۵۰	۷۸/۵۸
منطقه ۱۸	۵۱	۸۶/۶۵
منطقه ۱۹	۴۰	۸۴/۶۰
منطقه ۲۰	۶۰	۸۰/۵۷
منطقه ۲۱	۲۰	۷۸/۹۸
منطقه ۲۲	۱۱	۶۷/۵۰
کل	۱۰۱۷	۷۵/۱۶

۴- فرجام

آنچه از فحوای آمارها و ارقام تحقیق حاصل می‌آید، نشان‌دهنده این واقعیت است که علی‌رغم شیوع گسترده عقاید و باورهای طراحی (آگاهی از عقاید و باورهای خرافی) درصد نفوذ آن به عنوان یک باور در افراد بسیار پایین است (میانگین گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی برابر ۳۲/۷۴)، در همین ارتباط از بین کسانی که باور به چنین عقایدی دارند، گستره و نفوذ عقیده به اعمال و مناسک شخصی (مثل آب...) بیش از اعمال و مناسکی است که توسط افراد دیگر (کف بینی، طالع بینی و ...) قابل انجام است. میانگین ارتکاب به اعمال خرافی که توسط فرد معتقد قابل انجام است،

۵۰/۳۵ و میانگین ارتکاب به اعمال مناسک خرافی که توسط افراد دیگر برای فرد معتقد انجام می‌شود، ۸/۸۷ می‌باشد.

از دیگر نتایج این تحقیق می‌توان به اختلاف و تضاد فضای مفهومی نوگرایی (با همه شاخص‌ها و متغیرهای پیرامونی‌اش) با فضای مفهومی خرافه‌گرایی اشاره نمود. به بیان ساده، هر آنچه که گرایش به جامعه مدرن داشته باشد (از نوع مشاغل گرفته تا محیط سکونت و تولد و تحصیلات و سطح آگاهی خانواده و ...) به نحوی با مفاهیم مرتبط با خرافه‌گرایی در تضاد است. همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان ادعا کرد عقاید خرافی و باورهایی که اشاره ضعیف را در زندگی ترویج می‌کنند در مقایسه با عقاید مروج نتایج منفی از اقبال بهتر در بین مردم برخوردارند. به همین ترتیب می‌توان گفت انتزاعی بودن و غیر تجربی بودن گزاره‌ها بیشترین میزان ضریب نفوذ را در عقاید و باورهای مردم دارند.

پانویس‌ها

- هرچند در این پژوهش ما تنها به میزان شیوع باورهای خرافی اکتفا نموده‌ایم و کمتر به واکاوی علل شیوع این دسته از عقاید می‌پردازیم، اما برای کمک به مطالعات بیشتر

منابع لاتین

10. Bukhari SS, Pardhan A, Khan AS, Ahmed A, Choudry FJ, Pardhan K, Nayeem K, Khan M (2002). Superstitions Regarding Health Problems in Different Ethnic Groups in Karachi. *Faculty of Health Sciences*, Baqai Medical University, Karachi.
11. Inkeles, Alex (1969). Making Men Modern. *American Journal of Sociology*, No 75.
12. Inkeles, Alex & Smith, David H (1974). *Becoming Modern: Individual Change in Six Developing Countries*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
13. Irwin, H. J. (1985). *A Study of the Measurement and the Correlates of Paranormal Belief*. The Journal of the American Society for Psychical Research, 79, 301-326.
14. Peltzer(A), Karl (2002). Magical Thinking and Paranormal Beliefs among Secondary and University Students in South Africa. In *Elsevier Science Inc*.
15. Peltzer, Karl(B) (2002). Paranormal Beliefs and Personality among Black South African students. www.Infindarticle.com
16. Peltzer, Karl & Renner, Walter (2001). Superstition, Risk-taking and Risk Perception of accidents among South African taxi drivers.
17. Thalbourne, M. A., & Hensley, J. H. (2001). Religiosity and Belief in The Paranormal. *Journal of the Society for Psychical Research*, 65, 47-50.
18. Zebb, Barbara J. and Moore. Michael C. (2001). Superstitiousness and Perceived Anxiety Control as Predictors of Psychological Distress. In *Elsevier Science Inc*.

در این زمینه (که بسیار هم مورد نیاز است) ادبیات نظری این موضوع را به طور مختصر و مجمل مورد بررسی قرار می دهیم.

۲. اعتباری که تعداد زیادی از اندیشمندان اذعان دارند که این نوع معرفها شاخص سنجش خرافه گرایی هستند.

منابع فارسی

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). *جامعه شناسی توسعه*، تهران: مؤسسه نشر کلمه.
۲. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحولات فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، تهران: انتشارات کویر.
۳. جاهودا، گوستاو (۱۳۶۳)، *روانشناسی خرافات*، ترجمه محمدتقی براهنی، تهران: انتشارات البرز.
۴. داویدیان، هاراطون و غ، ساعدی (۱۳۴۴)، *آل و ام الصبیان بر مبنای روانشناسی*، مجله سخن.
۵. دواس، دی. ای (۱۳۷۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، تهران: نشر نی.
۶. عمید، حسن (۱۳۶۵)، *فرهنگ عمید: شامل واژه های فارسی و لغات عربی مصطلح در زبان فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. گلوور، دیوید، استرابریج، شیلاف و محمد توکل (۱۳۸۳)، *جامعه شناسی معرفت و علم*، ترجمه شاپور بهیان و همکاران، انتشارات سمت.
۸. نیک پناه، منصور (۱۳۸۴-۱۳۸۳)، *اساطیر سیستان و تجلی آن در ادب فارسی، ماهنامه /سوه*، پیاپی ۸۷، ۹۰، ۹۱، ۹۲.
۹. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، *سلامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.